



انتخابات بی انتخابات! انتخابات بعد از جمهوری اسلامی!



کورش مدرسی،
نایب حزب حکمتیست

این پیام مردم ایران به جمهوری اسلامی بود. اگر فضای بشدت پلیسی و نظامی که جمهوری اسلامی بر شهرهای ایران حاکم کرده بود

بسیاری از حوزه های رای گیری را از تعرض مردم مصون میداشت. اگر خاموشی کامل اینترنتی و خبری توسط رژیم مانع انتقال سریع اخبار میشد، اما مردم ایران در این مضحکه نه بزرگ دیگری به جمهوری اسلامی تحویل دادند. مردم ایران آنجا که توانستند حوزه های انتخابات را بهم زدند و آنجا که نتوانستند بساط رژیم را سوت و کور کردند. مردم اعلام کردند که تا جمهوری اسلامی بر سر کار است انتخابات بی انتخابات و انتخابات به بعد از جمهوری اسلامی مربوط است.

اما در بسیاری از شهرهای اروپا جمهوری اسلامی آن حافظ کامل را نداشت، اعتراض کنندگان علیه این صدای خود را به گوش جهانیان رساندند و در بسیاری از شهرها عملاً بساط انتخاباتی رژیم را مختل کردند. در لندن حوزه رای گیری واقع در کنسولگری جمهوری اسلامی برچیده شد.

از جانب حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، دست همه مردم و تشکل هائی که در این اعتراض شرکت کردند را میفشارم و این پیروزی را تبریک میگویم. صف متحد مردم به زیر پرچم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تضمین حق مردم در انتخاب نظام آینده حکومتی ایران شرط دادن رهبری به جنبش سرنگونی است. تجربه شکست جمهوری اسلامی در این مضحکه انتخاباتی همین را نشان داد.

مرکز خبری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی و برابری

زنده باد سوسیالیسم

۱۷ ژوئن ۲۰۰۵ - ۲۷ خرداد ۱۳۸۴

آقای زرافشان،

“ماراتن مرگ” را پایان دهید! علی راستین ص ۲

جنبش زنان: راست یا چپ؟ بهمن بهار ص ۳

جانیان به جان هم افتاده اند

همه بساطشان را باید جمع کنیم!

فاتح شیخ ص ۴

“نه” به این حقارت! فواد عبداللهی ص ۴



رژیم در خارج کشور موش شد!



جمال کمانگر

نخواهند داد رژیم بساط معرکه “انتخاب ما سرنگونی جمهوری گیریش را راه بیاندارد. به طرفداران اسلامی است.” انتخابات بعد از قیام رژیم در خارج کشور و کسانی که قصد شرکت در این شو انتخاباتی داشتند، هشدار دادند که خود را در مقابل نفرت مردم آزادیخواه قرار ندهند. جوانان حکمتیست از روزها قبل خود را برای مقابله با این

مضحکه آماده کرده بود. در لندن، استکهلم، هلسینکی، کپنهاگ، هامبورگ، اسلو و سایر شهرهای دیگر فعالین جوانان کمونیست-حکمتیست در صف اول اعتراض و تعرض به مضحکه رژیم بودند. در این روز قدرت خود را بار دیگر نشان دادند که ما نمیگذاریم خارج کشور میدان عوامفریبی و مشروعیت خریدن برای رژیم باشد. همگام با هزاران تظاهرات کننده دیگر گفتیم: “انتخابات رژیم مردود است.” خارج کشور شرکت کنید.

جمعه ۲۷ خرداد یک روز بیادماندی بود. به این دلیل ساده که مردم در ایران با عدم شرکت در مضحکه رژیم آنرا به شکستی دیگر برای رژیم تبدیل کردند.

اما در خارج کشور که مردم آزادیخواه و کمونیستها دستشان در به هم زدن این مضحکه که رژیم با حمایت پلیس قصد بر گذارش را داشت به افتضاحی سیاسی و بی آبرویی بیشتر برای رژیم تبدیل کردند. مردم آزادیخواه و در رأس آن حکمتیستها اعلام کرده بودند اجازه

آزادی مساوات تحریم انتخابات” سر دادند.

در بین جمع پلاکاردهائی با شعارهای “آزادی برابری، آزادی مساوات تحریم انتخابات، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، انتخابات فرمایشی نه!” و پلاکارهای زیادی با شعار No دیده می شد. مراسم با ورود معین در ساعت ۱۲ شب تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت.



اعتراض دانشجویان در مشهد!

مرکز خبری جوانان کمونیست-حکمتیست

۲۶ خرداد ۸۴ - ۱۶ جون ۲۰۰۵

عصر روز چهارشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۴ جلسه ای در حمایت از معین کاندیدی دوره نهم انتخابات در سالن رازی دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار شد. در این جلسه معین تاخیر داشت و ساعت ۱۲ شب وارد مشهد شد. به جای او، شکوری راد سخنرانی و به دفاع از پیشبرد اصلاحات پرداخت. جوانان شعارهای “زندانی سیاسی آزاد باید گردد و

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

آقای زرافشان، "ماراتن مرگ" را پایان دهید!

علی راستین

همه طنز تلخ تاریخی اینجاست که وکیل قربانیان قتل های زنجیره ای در زندان است

و قاتلین و جانیان

که دستشان به خون مردم آلوده است آزادانه در راس حاکمیت قرار



دارند. ناصر زرافشان بیش از ده روز است که به دلیل اعتراض به وضعیتش اعتصاب غذای خود را آغاز کرده و با توجه به سابقه بیماری اش در حال حاضر وضع وخیمی دارد. بر هیچ کس پوشیده نیست که مسوول هر اتفاقی که برای وضعیت جسمی ناصر زرافشان بیافتد دولت جمهوری اسلامی است. و مرگ احتمالی ناصر زرافشان بر اثر اعتصاب غذا برکه سیاه دیگری بر کتاب قطور جنایات جمهوری اسلامی اضافه خواهد کرد.

اما مساله تنها زرافشان نیست. علاوه بر زرافشان هزاران دانشجوی معترض و کارگر اعتصابی در سپاهچال های رژیم هستند که هیچ کس حتی اسمشان را هم نمی داند. مساله سرکوب، اختناق و فقدان آزادی اندیشه و بیان در ایران تحت حاکمیت اسلام است. همه زندانیان حق دارند که نسبت به وضعیتشان اعتراض کنند و ما از این خواست به شدت حمایت می کنیم. اما کاری که ناصر زرافشان در حال انجام آن است، اعتراض نیست. یک خودکشی است. ناصر زرافشان با اطلاع از وضعیت جسمی و سابقه بیماری اش دست به اعتصاب غذا زده و نام "ماراتن مرگ" را بر آن گذاشته است. این کار نتیجتاً به مرگ زرافشان منتهی خواهد شد که این امر تنها و تنها آرزوی جمهوری اسلامی است. ناصر زرافشان دارد کاری را انجام می دهد که خود رژیم از ته دل می خواهد و اما جراتش را ندارد. اگر توازن قوای کنونی بین مردم و جمهوری اسلامی برقرار نبود، بیشک رژیم یک شهروبر شصت و هفت دیگر را به راه می انداخت. اما الان اینگونه نیست و جمهوری اسلامی علی رغم ملیش، توانایی چنین کشتارهایی را ندارد.

ما آزادیخواهان، ما جوآنان حکمتیست که به چیزی کمتر از آزادی تمامی زندانیان سیاسی رضایت نخواهیم داد، بطور جدی از ناصر زرافشان می خواهیم که به اعتصاب غذای خویش پایان بدهد و بیش از این به جان خود لطمه وارد نکنند. راه آزاد شدن زندانیان سیاسی اعتصاب غذا نیست، بلکه اعتراض مردم و نهادها و تشکل های آزادیخواه است. این کار تنها از دور خارج کردن و حذف آزادیخواهان و زندانیان سیاسی به دست خودشان است.



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

ناصر زرافشان و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند!

حمله نیروهای امنیتی رژیم اسلامی در روز چهارشنبه ۲۵ خرداد به تجمع و تحصنی که در حمایت از آزادی ناصر زرافشان در مقابل زندان اوین گرد آمده بودند، باز هم چهره جمهوری اسلامی را در برابر جهانیان گذاشت.

در دهمین روز اعتصاب غذای ناصر زرافشان، به معترضین حمله شد و آنها را کتک کاری کردند، دست و سر و پا شکستند و بویژه در این میان علاوه بر خشونت هویتی اسلام سیاسی علیه "زنان" کلمات رکیک و فرهنگ لغات حکومت یک مشت ارادل و اوباش رژیم باز شد و به روی "زن" معترض پرتاب شدند. به اتومبیلهایی که از محل میگذشتند نیز حمله شد، تعدادی از مردم را در حالی که زخمی شده بودند دستگیر کردند و بر خلاف پرو پاکاند و دروغپردازیهای دوران "مضحکه انتخاباتی" سران جمهوری اسلامی و کاندیداها، جمهوری اسلامی در برابر آرمترین و نرم ترین شعارها و اعتراضها باز هم نشان داد که واقعا جمهوری اسلامی است. نه خشم و نارضایتی افکار عمومی و نه به خطر افتادن جان ناصر زرافشان در اثر اعتصاب غذا و نه انعکاس رفتار ضد انسانی و شنیع زندانبانان و قضات شرع با زندانیان سیاسی ای که اکثراً گمنام و بی نام نشان مانده اند در رسانه های بین المللی و نه خشم مردم ایران از کارنامه خونین و هولناک بیش از ۲۵ ساله ای که این رژیم با هر مخالف سیاسی و هر زندانی سیاسی طی سالها حاکمیتش از خود نشان داده است.

هیچکدام بر سران و زندانبانان رژیم که بدون قهر و خشونت و جنایت عریان قادر به حکومت نبوده است، تاثیری ندارد. حکومت، حکومت شمشیر و خون و پاسداری از سلطه یک مشت مفت خور و طفیلی اسلامی است. رفتار دواثر سرکوب رژیم اسلامی با ناصر زرافشان فقط گوشه کوچکی از تاریخ بی رحمیها و شقاوتهای بنیانگذاران اسلام سیاسی در برابر مردم ایران و در برابر صدها هزار زندانی دیگری است که اکنون حتی گورهایشان هم از بستگان و عزیزانشان پنهان مانده است. حزب حکمتیست بارها اعلام کرده است که اعتصاب غذا و روی آوری به خودزنی و خودکشی تدریجی، روش و شیوه کارساز و موثری در تقابل با جلاخان و درخیمان اسلامی نیست و اکنون بار دیگر تکرار میکنیم و از ناصر زرافشان هم میخواهیم که به اعتصاب غذای خود و ماراتنی که خود او نیز ماراتن "مرگ" نام نهاده است، پایان دهد. بگذار زندانی سیاسی با اتکا به حمایت مردم و روحیه رزمنده پیشرو، و به اتکا شور زندگی و روحیه امید به آینده روشن، فرهنگ مرگ و شهادت را به صاحبان و مکتب داران آن واکذار، بگذار این فرهنگ همراه با حافظان آن به فراموشخانه و موزه تاریخ سپرده شود. اکنون که علیرغم خواست ما، ده روز از اعتصاب غذای ناصر زرافشان میگذرد و او دچار ضعف جسمی و خونریزی معده شده و به علاوه از بیماری کلیوی نیز رنج میبرد، این دیگر جمهوری اسلامی است که تماماً در مقابل جان او مسئول است. ناصر زرافشان باید بلافاصله آزاد شود و فوراً برای ترمیم عوارض اعتصاب غذا تحت معالجه و مراقبت پزشکی قرار گیرد. نباید فراموش کرد که در پس دیوارهای زندانهای سهمگین جمهوری اسلامی هنوز صدها فعال کارگری و دانشجو و جوان مبارزه و آزادیخواه و انسانهای شریفی به بند کشیده شده اند، که جمهوری اسلامی و رسانه های مختلف خودی و غیر خودی اما مجاز در باره سرنوشت آنان به توطئه سکوت روی آورده اند. قرار گرفتن رفتار زندانبانان جمهوری اسلامی با وکیل مدافع پرونده قتلهای زنجیره ای در معرض افکار عمومی ایران و جهان، باید دریچه ای را به روی وضعیت کلیه زندانیان سیاسی و به سوی باز کردن پرونده رژیم اسلامی در برخورد با مخالف سیاسی و سرکوب خونین حق آزادی بی قید و شرط بیان و حقوق مدنی مردم ایران باز کند.

همراه با دفاع از آزادی فوری ناصر زرافشان و مبارزه برای حفظ جان او، باید قاطعانه خواست که مردم ایران و جهانیان در جریان وضعیت و شرایط تمامی دیگر زندانیان سیاسی قرار گرفته و آزادی بلافاصله و بی قید و شرط آنان از زندان مطالبه شود. فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی نباید لحظه ای قطع شود.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۶ ژوئن ۲۰۰۵

۲۶ خرداد ۱۳۸۴

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

جنبش زنان: راست یا چپ؟ بهمن بهار



و چپ هر چند با نفرات کم توانست حضور پر رنگ داشته باشد. پلاکاردها و شعارهای چپ از "آزادی و برابری" و "آزادی زن، آزادی همگان است" تا رادیکال شدن فضا و کنار رفتن جریانات راست از فضا تنها مقدمه ای بود تا در حالی که خانم سیمین بهبهانی از نیروی انتظامی تشکر می کند، مردم صد متر آنطرف تر علیه جمهوری اسلامی و در مورد "تحریم" شعار دهند، در حالی که خانمی می گوید: "خانم ها شعار سیاسی ندهید، آقایان به اندازه کافی به کار سیاسی پرداخته اند" زنان با دادن شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" نشان دهند که مشکل زنان کاملاً سیاسی است و تنها با نابودی جمهوری اسلامی و تغییرات اساسی است که قابل حل است. و این جاست که با وجود پایان مراسم و متفرق شدن برگزار کنندگان این مراسم، باز مردم در صحنه می مانند و تا ۲ ساعت بعد از پایان مراسم در خیابانهای انقلاب تا بلوار کشاورز و از میدان انقلاب تا میدان ولیعصر به درگیری و دادن شعار علیه جمهوری اسلامی می پردازند. و این شکست جریاناتی است که می خواهند مطالبات زنان را به صورت صنفی و قشری مطرح و حل کنند، در حالی که چون ریشه تبعیض و سرکوب علیه زنان با کلیت جامعه و نظام سیاسی حاکم بر آن پیوند خورده، صنفی نیست و جالب این که خود مردم در این

مطالباتشان را متوجه شده اند. در این شرایط هیچ حرکت عمومی بدون پیوند خوردن با جنبش اعتراضی و سرنگونی نمی تواند پیش رود و همین مسئله عده ای از برگزار کنندگان این مراسم را که سعی می کردند با شعارهای سیاسی مخالفت کنند و مراسم را به صورت صنفی نگه دارند کاملاً فلج کرده بود. به گونه ای که مردم و حاضرین در مراسم به صورت خود جوش شعارهایی در مورد آزادی زندانیان سیاسی می دادند و سرود های انقلابی می خواندند و این خود تا حدود زیادی گرایشات فمینیستی و بورژوازی که مسئله زنان را به صورت طبقاتی و اجتماعی نمی بیند و مسئله را تنها در سطح حقوق قانونی یا تبارشناسی جنسیتی می داند به حاشیه راند. گرایشات راست جنبش زنان میخ کوب شده بودند و از توده ای شدن مراسم می ترسیدند و بعضاً شروع به محکوم کردن حرکات خود جوش مردم کردند، کسانی که برای "حقوق حداقلی" آمده بودند، "خواستهای حداکثری" مردم برایشان قابل درک نبود و این مشخصاً نفی گرایشات راست و "صنفی نگر" جنبش زنان بود دقیقاً همین مسئله بود که ریشه اتفاق مهم دیگر این حادثه یعنی حضور و جلو آمدن چپ در صحنه بود. چپ ادعای رهبری و به ثمر رساندن خواسته های همه جنبش های اجتماعی مترقی و همه اقلیت های تحت ستم جامعه از جنبش زنان گرفته تا اقلیت های جنسی و حل مسائل کودکان را دارد و تفاوت چپ از بقیه جریانات، ماهیت رادیکال و در نتیجه نیازمند به حرکت توده ای و مردمی اش است. همان طور که دقیقاً حیات و زنده ماندن جریانات راست و عقب افتاده و ارتجاعی (چه در جنبش زنان و چه در دیگر جنبش ها) در دوری از هر گونه رادیکالیسم و نقد ریشه ای علت سرکوب و در نتیجه دوری از هر حرکت جنبشی است و در تجمع ۲۲ خرداد ما شاهد این بودیم که چگونه با عمومی شدن مراسم، راست به حاشیه رفت

تجمع زنان در ۲۲ خرداد در مقابل دانشگاه تهران را می توان نقطه عطفی در حرکت جنبش زنان در چند سال اخیر دانست. بعد از سال ها، مسئله جنبش زنان اینبار تنها در سمینارها و سالن های سخنرانی نبود که مطرح می شد، بلکه به عرصه عمومی جامعه به خیابان ها و به میان مردم آمده بود و مراسمی بود که گرایشات و جریانات مختلف از فمینیست تا چپ در آن حضور داشتند که این مشخصاً نشان دهنده رشد و بالندگی جنبش زنان بود. اما در این تجمع دو اتفاق مهم افتاد که باید به آن اشاره کرد. اولین اتفاق مهم در این تجمع توده ای شدن و عمومی شدن حرکت بلافاصله بعد از شروع مراسم بود، با وجود اینکه پلیس و نیروهای سرکوب تنها به زنان اجازه نزدیکی به مراسم را می دادند اما در سراسر خیابان مردم اقدام به تجمع و گاه شعار دادن و درگیری با پلیس کردند و این مشخصاً نشان دهنده این بود که هر حرکتی در شرایط سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی که به عرصه جامعه بیاورد باید تبدیل به مراسمی اعتراضی علیه کلیت نظام می شود و در این شرایط هیچ حرکتی به صورت صنفی نمی ماند و مردم خود ریشه همه سرکوب ها و نابرابری ها را در حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه می دانند و درک کرده اند تا زمانی که جمهوری اسلامی سرمایه در ایران لغو نگردد، نه حقوق کارگران و نه حقوق زنان و نه حقوق هیچ یک از اقشار مردم تامین نمی شود. مردم از هر ظرف و موقعیتی برای جمع شدن و اعتراض به جمهوری اسلامی استفاده می کنند و بهتر از هر روشنفکری شرط سرنگونی جمهوری اسلامی را برای تحقق ابتدایی ترین

مراسم و مراسم های مشابه ثابت کرده اند که به این درک درست و ابتدایی رسیده اند و دقیقاً به گونه ای سیاسی و علیه کلیت جمهوری اسلامی وارد صحنه می شوند. این مراسم نشان دهنده یک چیز بود و آن هم توان و موقعیت عینی مناسب برای همزبانی و رهبری چپ در جنبش زنان و دیگر جنبش های اجتماعی و لزوم وارد شدن رهبری چپ در این زمینه ها چون دقیقاً دیگر گرایش ها ناتوانی خود در هدایت و به ثمر رساندن این جنبش ها را نشان داده اند.



دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

”نه“ به این حقارت!

فواد عبداللہی

نه! مردم رای ندادند. مردم به شرکت در معرکه توهین به شعور و حرمتشان حاضر نشدند. گفتند که این دعوای درون جناحی سر سوزنی مربوط به خواسته های بشر امروز جامعه ایران نیست. مردم فهمیدند که تا آنوقت هست انتخابات پوچ است. تا اسلام و قانونش در مسند قدرند، تغییری در زندگی انسان به سوی سعادت و خوشبختی رخ نخواهد داد. مردم



می دانند که باید به شیوه ای دست این هیولای ارتجاع تاریخ را که یک ناهنجاری بر پیکره جامعه شان بوده از حیات امروز انسان قطع کنند. امثال رفسنجانی و خاتمی و خامنه ای و کروبی و معین و کل دار و دسته اوباش و چاقو کش اسلامی را نمی توان به عنوان نماینده رادیکالیسم امروز مردم ایران جا زد. انسان و تاریخ مادی جامعه را نمی توان از تصویر بیرون انداخت. اینها حافظان سیستم بردگی و استثمار انسان در شکل بربریت آند. اینها دو آتشه ترین دشمنان برابری زن با مرد و خاکستری کردن روحیه و فکر و پوشش انسانند. اینها دست و زبان انسان را به خاطر آزادی در نوشتن و ابراز عقیده و بیان بریده اند. اینها از روز اول با فلسفه اعدام و سرکوب و ترور مخالفینشان پرورش یافته اند. اینها سران گنگستریسم اسلامی در منطقه، علیه آرمان آزادیخواهی و برابری طلبی برای حفظ عقب ماندگی فکری و معنوی در جامعه انسانی اند.

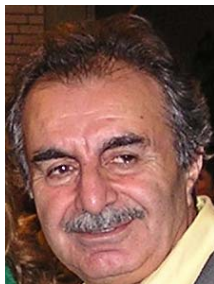
نه! سرکسی را نمی شود کلاه گذاشت. هیچ دلیلی برای رای دادن به سیستم اسلامی جز رای به سرنگونی آن نمی تواند موجه باشد. مردم تجربه کرده اند که مجرا و دروازه تغییر رژیم به دست خودشان باز خواهد شد. توهم و وقت و تحمل به سر آمده است. اگر این عظیم ترین حقیقت سیاسی را ببینیم که دیگر کسی زیر سایه حکومت اسلامی نمی خواهد زندگی کند آنوقت می فهمیم که استراتژی مہار مردم از روز اول پوچ بوده است. ۲۶ سال است که مردم حجاب نمی خواهند، حزب و اتحادیه و روزنامه می خواهند. مردم حکومت دینی نمی خواهند و در عوض حقوق مدنی و فردی می خواهند. مردم آموزش و پرورش، طب رایگان، مسکن مناسب و امنیت اقتصادی می خواهند. مردم آزادی همه زندانیان سیاسی، برابری زن و مرد در جامعه و انحلال همه ارگانهای سرکوبگر را می خواهند. نه تنها مردم بلکه هیچکس حاضر نیست به دشمنش رای دهد. از آنجا که انتخابات بیش از همیشه چهره کریه و پوچ خودش را در سیستم اسلامی نشان داده اما دور دیگری در مبارزه مردم علیه رژیم شروع شده است. این دوره ای است که توهم ها به ”تغییر یا بهبود“ اوضاع حکومت فرو ریخته، احتیاج به سازماندهی و رهبری کردن جامعه با پرچم و شعار روشنی است که ریشه حکومت مذهبی را بسوزاند.

”منشور سرنگونی جمهوری اسلامی“ که توسط حزب حکمتیستها اعلام شده است در واقع بازتاب مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی برای رسیدن به ابتدایی ترین مطالباتشان است. ”منشور سرنگونی جمهوری اسلامی“ انتخابات واقعی را بعد از قیام و به زیر کشیدن حکومت اسلامی به رسمیت می شناسد.

جانیان به جان هم افتاده اند همه بساطشان را باید جمع کنیم!

فاتح شیخ

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست



”انتخابات“ جمهوری اسلامی، تا همینجا شکست بزرگی برایش ببار آورده است. شکاف مهلکی بر پیکر پرشکاف رژیم اضافه شده است. دو روز پس از ادعای ”برگزاری شکوهمند انتخابات“، جانیان راس رژیم به طرز بیسابقه ای به جان هم افتاده اند. کروی و خامنه ای جلو چشم حزب الله، به روی هم چماق میکشند. معلوم شد انتخاباتی در کار نبوده، زیر نام انتخابات یک تقلب اسلامی خالص در کار بوده است. استخراج خامنه ای و استعفای کروی پته این تقلب را روی آب انداخت. پرده ها افتاده و اوضاع وخیم رژیم، عریان در برابر مردم قرار گرفته است.

این وضعیت مردم را و ما را فرا میخواند که همه توانمان را بکار بگیریم تا همه بساطشان را جمع کنیم. خواستند راهی برای نجات رژیمشان پیش پا بگذارند، در گام اول سکندری سختی خوردند. خواستند صفوف ارتجاعشان را فشرده تر کنند، شکافهای دیگری در بالاترین رده سرانیشان دهان باز کرد. همگام با روند پیشروی تعرضات مردم، روند خودتخریبی این رژیم سریعتر و نابودکننده تر خواهد شد. باید نیرویمان را برای وارد آوردن ضربه آخر جمع و متحد کنیم.

مردم آزادخواه!

دور دوم این سیرک وقیح هم انتخابات نیست. جز مسابقه تقلب چیز دیگری در کار نخواهد بود. مساله ما هم این نبود که معین یا کروی، قالیباف یا احمدی نژاد، رفسنجانی یا لاریجانی یا هر جانی دیگری از صندوق بیرون آورده میشوند، مساله ما اعتراض علیه کل رژیم بود. در ادامه این سیرک هم هدف ما به میدان آوردن نیروی اعتراضان علیه رژیم و همه جانیان راس آن است.

از شکست و شکاف بزرگی که زیر تاثیر اعتراض ما نصیب رژیم شده است باید تخته پرشی برای تعرضات بعدی بسازیم. باید تمام نیروی اجتماعی مان را برای تعیین تکلیف قطعی با رژیم، برای به زیر کشیدن آن، برای انحلال همه ارگانهای سرکوبگر و برچیدن آخرین خشت بنای کثیف حاکمیت اسلام سازمان دهیم و به میدان آوریم. حزب حکمتیست در کنار شما و در صف مقدم مبارزه شما برای رهایی، برای تحقق آزادی و برابری و در قدم اول خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی است. ”منشور سرنگونی جمهوری اسلامی“، پرچمی که حزب ما بلند کرده است، پرچم پیروزی جنبش مردم برای سرنگونی رژیم است. به دور این منشور و به دور سیاست های حزب حکمتیست جمع شوید تا با هم بساط ننگین این رژیم را جمع کنیم.



به سازمان جوآنان حکمتیست بپیوندید!



برنامه های روزانه پرتو

برنامه های پرتو هر روز از ساعت ۸ تا ۹ شب به وقت تهران (۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰ بعدازظهر به وقت اروپا) مرکزی و ۱۱:۳۰ تا ۹:۳۰ صبح به وقت امریکای غربی از شبکه کانال یک پخش میشود

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Verical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

امریکای شمالی:

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC : 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com /parto

گروپ جوآنان حکمتیست در یاهو!

http://
groups.yahoo.com/
javananekomonist

تمام با سازمان جوآنان کمونیست - حکمتیست

دیپلر سازمان: بهرام مدرسه
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۳۳۶۱۳

سرپریر: فواد عبداللہی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دیپلر: نسیم رهنا
nasimrahnadm@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاون کمانگر
جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹